

نقش زبان فارسی در شکل‌گیری سیستم اصطلاحات زبان ازبکی امروز

دکتر عوض بک واحدف

دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند

ایجاد و شکل‌گیری اصطلاحات علمی و فنی، به سه روش متفاوت، صورت می‌گیرد: روش اول، عبارت است از تشکیل مستقیم واژه‌های ونددار، کلمات مرکب، مرخم و کلاً ترکیب کلمات. اجزای سازنده‌ی این گروه واژگان که می‌توانند اصطلاحات بومی، یا خارجی باشند؛ مثل واژه‌های: «بادِ سموم»، «بخاری برقی» و «خودرو». این اصطلاحات را می‌توان از واژه‌های زبان عمومی هم ساخت؛ مثل: «انتقال گرما»، «سیل نور» و در روش دوم، همان اصطلاحات موجود را با معانی جدید به کار می‌برند و به عبارت دیگر، معنای اصطلاحی، عوض می‌شود؛ مثل: «خستگی»، «موج» و روش سوم، عبارت از گرفتن عین اصطلاح خارجیست؛ مثلاً: «جغرافیا»، «گلف استریم» و ...؛ اما برای استفاده از هر کدام از این روش‌ها باید دلایل علمی قانع‌کننده داشته باشیم.

برای ساختن اصطلاحات علمی، به شیوه‌ی صحیح، باید بتوانیم محتوای دقیق مفهوم، ماهیت واقعی و ابعاد فنی آن را کاملاً تصور کنیم و برای چنین کاری، باید جایگاه این مفهوم را در میان سایر مفاهیم - و در اکثر موارد، در طبقه‌بندی معینی - مشخص کنیم. شکل طبقه‌بندی، در اغلب موارد، به ویژگی‌ها و وظایف آن رشته و فن، بستگی دارد و فقط طبقه‌بندی دقیق است که امکان تشخیص نشانه‌های مربوط یا نامربوط به این مفهوم را - که اتفاقاً می‌تواند در واژه‌سازی مؤثر باشد - فراهم می‌کند.

ساخت مفهوم و تعریف آن، باید بر اساس کلیت نشانه‌هایی که این مفهوم را با مفاهیم دیگر پیوند می‌دهد و نیز نشانه‌هایی که اختصاصاً به آن مفهوم مربوطند، صورت بگیرد. اگر فقط « حد اکثر دقت و مطابقت مفهوم»، مد نظر باشد، هر اصطلاح، فقط می‌تواند نشانه‌هایی کلی و خاص را انتقال بدهد؛ اما این‌گونه مطابقت، فقط روش اول را شامل می‌شود.

واضح است که باید موارد دیگری را هم در نظر بگیریم؛ مثل این که گاهی در برگرداندن یک مفهوم، هنگام ساخت اصطلاح تازه، اغلب، آن واژه، به‌گونه‌ای خاص، شرطی و محدود است و محدوددهی خاصی دارد و نشان این ویژگی را برای نمونه، می‌توان در اختصاصی شدن همه‌ی معانی، یا یکی از اجزای ترکیبی برخی اصطلاحات دید؛ مثلاً: اصطلاح «اتومبیل برقی» که برای همه‌ی انواع اتومبیل -ها استفاده نمی‌شود و فقط برای آن نوع اتومبیلی به‌کار می‌رود که موتور اصلی آن، انرژی الکتریکی را به انرژی مکانیکی تبدیل می‌کند.

علاوه بر این، علاوه بر دقت، برای ساخت اصطلاحات، باید موضوع «اختصار» آن را هم تا حد ممکن در نظر گرفت. این ویژگی، در رواج و کاربرد واژه تأثیر به‌سزایی می‌تواند داشت. در عمل، اغلب، رعایت ایجاز، در رواج اصطلاح، بیش از دقت آن، مؤثر است. بدین سان، به‌هنگام ارزیابی اصطلاحات جدید فنی هر رشته، همواره با این سؤال مواجه می‌شویم که چه‌گونه می‌توان دقت و ایجاز را با هم تلفیق کرد و دشواری این امر، سبب می‌شود که در اغلب موارد، به رغبت، اصطلاحات خارجی را به‌کار ببریم.

اخذ اصطلاحات خارجی، به‌شکل آماده، نسبت به بقیه‌ی روش‌ها، آسان‌ترین روش است و همین سهولت، باعث می‌شود که تعداد زیادی اصطلاحات خارجی، از زبان‌های بیگانه، وارد سیستم اصطلاحات علمی - فنی بومی شود؛ البته در برخی موارد، این کار، به‌خودی‌خود، ممکن است چندان آسیبی به این سیستم اصطلاحات نزند؛ اما به هر روی، این‌گونه موارد را باید همه‌جانبه مطالعه و بررسی کرد.

امروزه، با تشدید و تکمیل شیوه‌ها و جنبه‌ی بین‌المللی یافتن مطالعات و پژوهش‌های علمی و توجه و تلاش‌های زبان‌شناسان و غیر آنان برای تعیین و تشخیص شیوه‌ی ترکیب و نقش اصطلاحات مأخوذ از زبان‌های مختلف، مسأله‌ی اخذ اصطلاحات خارجی، اهمیت بیش‌تری پیدامی‌کند، اکنون نیاز اساسی و بنیادینی به تحلیل روش ساخت اصطلاحات و به خصوص، با تأکید بر نقش مهم اصطلاحات مأخوذ، احساس می‌شود.

خود مسأله‌ی اخذ اصطلاحات، یکی از مسایل پیچیده و مشکل تجزیه و تحلیل اصطلاحات است و پیچیدگی این مسأله نیز از یک سو بستگی به خود جریان وام‌گیری اصطلاحات دارد (که به خاطر عدم امکان پیش‌بینی کامل پیش‌رفت علوم و فنون در مراحل مختلف آن است) و از سوی دیگر، به این موضوع، که هر وام‌گیری، نوعی دخالت در سیستم مفهوم‌ها و اصطلاحات است که تبعات آن را در اکثر موارد، نمی‌توان پیش‌بینی کرد.

به هر حال، محال است که بتوان این موضوع را به صورت مطلق، حل کرد؛ چون عوامل زیادی را باید هم‌زمان در نظر گرفت. این جریان، هم‌کاری دو سیستم اصطلاحات را می‌طلبد: سیستم اصطلاحات زبان منبع - که هر اصطلاح مورد نظر، با «دایره‌ی معنایی» و جزئیات خاصش، عضوی از آن است - و سیستم اصطلاحات زبان پذیرنده اصطلاح. عمل پدیدآورنده‌ی اصطلاح، مثل این است که او در زبان پذیرنده، دور معنایی مربوط به اصطلاح زبان منبع، خطی بکشد. در هنگام ارزیابی اصطلاح مأخوذ، موارد ذیل را باید در نظر گرفت::

- ۱- ترکیب واژگانی و معنی اصطلاحات مربوط به آن مفهوم؛
- ۲- ترکیب مترادفات قابل انطباق با اصطلاح اخذشونده؛
- ۳- میزان یگانگی، انحصار، یا وسعت کاربرد اصطلاح مزبور در سیستم اصطلاحات زبان پذیرنده؛

۴- ویژگی (مورد استفاده - عدم استفاده) اصطلاحات و ...

بررسی نحوه‌ی اخذ اصطلاحات، ممکن است شباهت و تفاوت دو زبان را در سطوح ترکیبی و معنایی کلمات و محدوده‌ی هر اصطلاح مشخص کند.

۱- مؤلف مقاله، تعریف دقیق خود را از اغلب واژگان تخصصی مقاله ارایه نداده‌اند و واژه‌های به‌کاررفته نیز در زبان فارسی، افاده‌ی معنایی مرتبط با موضوع مقاله نمی‌کنند. ویراستار، با تکیه بر کلیت‌ی مقاله، در برخی موارد، این واژگان را به واژگان آشناتر و نزدیک‌تر به موضوع و بافت کلی مقاله تغییر داده‌است.

انواع اخذِ اصطلاحات

- ۱- گرفتنِ شکلِ ظاهریِ کلمه‌ی خارجی که در زبانِ شناسیِ معاصر، آن را «اخذِ مستقیم»، یا «اخذِ مادی» می‌گویند.
- ۲- اخذِ معنیِ اصطلاحات با ترجمه از زبانِ خارجی که آن را «اخذِ کالکی» می‌گویند و بر دو نوع است:

الف - ساختِ اصطلاح، از طریقِ ترجمه‌ی کلمه به کلمه؛

ب - ساختنِ اصطلاح، با ترجمه‌ی دگرگون‌کننده.

اصطلاحاتی که برای توصیفِ واژگانِ قرضی، در زبانِ ازبکی، رایجند، عبارتند از: «کلماتِ خارجی»، «کلماتِ زبان‌های خارجی»، «کلماتِ خارجیِ مأخوذ»، «کلماتِ اخذشده از زبانِ خارجی»، «کلماتِ مأخوذ» و...؛ پیش‌تر، اصطلاحاتِ دیگری در این باب رایج بود؛ مثل: «کلماتِ ملل و ایلاتِ دیگر» و «کلماتِ کشورهای (مناطق) دیگر». در اکثر موارد، هم اصطلاحاتی که بدون تغییرِ شکلی یا معنایی، مستقیماً واردِ زبانِ ازبکی شده و هم اصطلاحاتی را که در فرآیندِ انتقال، تغییراتِ زیادی کرده‌اند و با اصطلاحِ مأخذ، تفاوت‌های عمده دارند، جزوِ این «کلماتِ مأخوذ» قلمداد می‌شوند.

زبانِ ازبکی، در ترکیبِ واژگان، از لحاظِ کلماتِ معمول و نیز اصطلاحاتِ خاص، از زبان‌های خارجی، زیاد و ام‌گرفته است؛ ولی بیش‌ترین واژگان و اصطلاحات را از زبان‌های فارسی و عربی گرفته و ما این‌جا فقط به آن‌هایی می‌پردازیم که به زبانِ فارسی مربوط می‌شوند و به میزانِ زیاد در علوم و فنونِ ازبکی به کار می‌روند.

جالب، این است که اکثرِ مردمِ ازبک، فارسی بودن و ازبکی نبودنِ این کلمات را احساس نمی‌کنند و نیز لازم به ذکر است که بسیاری از واژگانِ عربی هم از طریقِ زبانِ فارسی واردِ زبانِ ازبکی شده است.

نمونه‌های این اصطلاحات، عبارتند از::

در صنایع ساختمانی: اَره‌کش، آیینه‌ساز، عمارت‌ساز، درِ بازه، بارگاه، خانه قاح (۴)، شاه‌نشین و...؛

در خیاطی: لباسِ دوزی، زردوزی، کشته‌دوزی؛

در جالیزکاری: گلابی، شیرازی، بکزادی؛

در زبان‌شناسی: آواز، روش، گب؛

در نمایش‌های سنتی: مسخره‌باز، تماشا، دارباز، کارفرمان، دست‌چوب، چلتناب، کوچه‌گر؛ در جغرافیا: گذر، دریا، کاریز، ریگستان، رود، سردابه، چاریاخ، دهه و
 مطالعات گسترده‌تر، امکان‌آرایی اصطلاحات فارسی دیگر را نیز فراهم خواهد کرد و نیز می‌توان چنین مطالعه‌ای را در جهت عکس، یعنی کاربرد اصطلاحات ازبکی در فارسی نیز صورت داد؛ اما بدیهیست که هرگونه مطالعه‌ای در این زمینه، باید با در نظر گرفتن اصول و روش‌های علمی ساخت و ام‌گیری واژگان صورت گیرد؛ زیرا هنوز در نظام‌های زبان‌های مختلف جهان، اصطلاحات مترادف وجود دارد که بر سر راه اصطلاح‌سازی و اصول مهم مطرح در آن (دقت و اختصار) مانع ایجاد خواهد کرد. (تاکنون، شصت زبان در سراسر جهان، اصول و نحوه‌ی شکل‌گیری و کاربرد اصطلاحات علمی و فنی خود را معین و مشخص کرده‌اند.)

